

نقش محاسبات کمی سیستم‌های مالی در جبران خدمات هیأت مدیره شرکت‌های بورس اوراق بهادار

تهران

محمدعلی ساری^{1*}

^{1*} گروه حسابداری، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

ایمیل نویسنده مسئول: ma.sari@iau.ac.ir

چکیده

شرکت‌ها عملکرد خود را با مقایسه خروجی سیستم‌های مالی خود در قالب گزارش‌های حسابداری با خروجی سایر شرکت‌ها ارزیابی می‌کنند. با توجه به این‌که پاداش مدیریت بر اساس ارزیابی عملکرد مبتنی بر محاسبات کمی سیستم‌های مالی است، شرکت‌ها احتمالاً هنگام تعیین پاداش مدیریت خود از اطلاعات سیستم حسابداری در مقایسه با شرکت‌های هم‌تا استفاده خواهند کرد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی نقش محاسبات کمی سیستم‌های مالی در جبران خدمات هیأت مدیره شرکت‌ها است. برای این منظور، تأثیر محافظه‌کاری و مدیریت سود بر رابطه بین مقایسه-پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره در شرکت‌های عضو بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است. روش پژوهش حاضر به لحاظ نتیجه اجرا، کاربردی بوده و از نظر روش شناسی در زمره پژوهش‌های همبستگی-تحلیل رگرسیون قرار دارد. برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از اطلاعات 118 شرکت فعال بورس اوراق بهادار در بازه سال‌های 1396 تا 1402 استفاده شده است. نتایج پژوهش بیانگر آن بود که مقایسه‌پذیری حسابداری بر پاداش هیأت مدیره، تأثیر مثبت و معناداری دارد. محافظه‌کاری شرطی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار بوده و این رابطه را تشدید می‌کند. اما مدیریت سود تعهدی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار نیست. براساس یافته‌ها می‌توان گفت شرکت‌های دارای مقایسه‌پذیری بالاتر با همتایان خود، پاداش بیشتری به هیأت مدیره پرداخت می‌کنند. محافظه‌کاری شرطی نیز، با تسهیل مقایسه اطلاعات مالی، رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره را تشدید می‌کند.

واژگان کلیدی: محافظه‌کاری شرطی، مدیریت سود تعهدی، مقایسه‌پذیری حسابداری، پاداش هیأت مدیره.

The role of quantitative accounting in financial systems in compensation for board of directors of companies listed on the Tehran Stock Exchange

Mohammad Ali Sari ^{*1}

^{*1} Department of Accounting, Ma.C., Islamic Azad University, Mashhad, Iran

Corresponding Author's Email: ma.sari@iau.ac.ir

Abstract

Companies evaluate their performance by comparing the output of their financial systems in the form of accounting reports with the output of other companies. Given that management compensation is based on performance evaluations based on quantitative calculations of financial systems, companies are likely to use accounting system information when determining their management compensation in comparison with peer companies. The main objective of this research is to investigate the role of quantitative accounting in financial systems in corporate board compensation. For this purpose, the effect of conservatism and earnings management on the relationship between accounting comparability and board of directors' compensation in companies that are members of the Tehran Stock Exchange has been investigated. The present research method is practical in terms of the implementation result. Also, this research can be considered a correlation-regression analysis research. The statistical population includes all active companies in the Tehran Stock Exchange, and in order to examine the hypotheses, the time period was considered annually from 2017 to 2023. The research results showed that accounting comparability has a positive and significant effect on the remuneration of the board of directors. Conditional conservatism has an effect on the relationship between accounting comparability and board of directors' remuneration and it aggravates this relationship. Accrued profit management does not affect the relationship between accounting comparability and board remuneration.

Keywords: *Conditional Conservatism, Accrued Interest Management, Accounting Comparability, Board of Directors' Compensation.*

1. مقدمه

قابلیت مقایسه اطلاعات کمی سیستم‌های مالی، بیانگر آن است که باید اطلاعات مالی شرکت‌ها با توجه به اصول و قوانینی تهیه گردد که با شرکت‌های مشابه بتوان آن را مقایسه نمود و این توانایی را برای استفاده‌کنندگان از اطلاعات مالی فراهم کرد تا به راحتی، شباهت‌ها و تفاوت‌های بین وقایع اقتصادی را از هم تشخیص دهند. قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری، منجر به کاهش هزینه پردازش و کسب اطلاعات شده، کمیت و کیفیت اطلاعات جاری را افزایش خواهد داد (دی‌فرانکو و همکاران، 2011). استانداردهای حسابداری از شرکت‌ها می‌خواهد که روش‌های بکار گرفته شده در تهیه صورت‌های مالی را افشا نمایند و با الزام به پیروی از اصل سازگاری، آنها را از تغییر هر ساله روش‌های حسابداری پذیرفته شده خود منصرف می‌نماید. چنین استانداردها و قوانینی می‌توانند قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری درون شرکت‌ها و بین شرکت‌های گوناگون را باعث شوند. در نتیجه، می‌توان انتظار داشت که قابلیت مقایسه، می‌تواند در پیش‌بینی‌های مدیریت منجر به بهبود دقت و صحت اطلاعات منتشر شده گردد و احتمالاً باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات و ناهماهنگی در بازار سهام خواهد شد (داریایی و همکاران، 2022).

شرکت‌ها تلاش می‌کنند که محاسبات کمی عملکرد و وضعیت مالی خود را با محاسبات کمی عملکرد و شغل رقبای خود (همتایان) در شرکت‌های فعال در سطح بازار و یا همان صنعت مقایسه نمایند. شرکت‌ها با انجام این کار سعی می‌کنند در تنظیم قراردادهای شرکت‌های هم‌تا را به‌عنوان الگویی در نظر بگیرند تا قابلیت مقایسه با این شرکت‌ها داشته باشند. آلبوکرک (2009) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که ارزیابی عملکرد شرکت در مقایسه با شرکت‌های هم‌تا بر اساس قیمت سهام انجام می‌گیرد. بنابراین، شرکت‌ها با مقایسه خروجی سیستم‌های مالی خود نسبت به خروجی شرکت‌های دیگر، عملکرد خود را ارزیابی می‌نمایند. همچنین در تعیین پاداش مبتنی بر عملکرد مدیران، به مقایسه عملکرد شرکت با شرکت‌های هم‌تا توجه می‌شود. از طرفی، قابل مقایسه بودن اطلاعات حسابداری برای محدود کردن و کنترل دستکاری سود توسط مدیران به‌عنوان یک مکانیسم نظارتی در نظر گرفته می‌شود (دی‌فرانکو و همکاران، 2011). با توجه به اینکه با رشد میزان قابل مقایسه بودن اطلاعات مالی شرکت‌ها، انتظار می‌رود که پاداش اجرایی- عملکرد به‌طور گسترده‌تری مورد استفاده واقع شود و بین عملکرد شرکت و پاداش- عملکرد مدیران همسویی نزدیک‌تری ایجاد گردد. لذا بررسی این موضوع ضروری است که آیا این روابط با سایر ویژگی‌ها و عوامل کیفیت گزارشگری مالی نیز در ارتباط است یا خیر.

از سوی دیگر محافظه‌کاری حسابداری در ادبیات پژوهش به موضوع مهمی تبدیل شده است باعث افزایش اعتبار و کیفیت اطلاعات گزارش شده می‌شود (زانگ و همکاران، 2019). بنابراین، می‌توان استدلال نمود که امکان مقایسه اطلاعات مالی از طریق محافظه‌کاری تسهیل می‌شود. دومین عامل مؤثر بر رابطه بین قابلیت مقایسه و پاداش هیئت مدیره، مدیریت سود است. سطح بالای مدیریت سود، رابطه بین رویدادهای اقتصادی و ارقام گزارش شده در صورت‌های مالی را تضعیف می‌کند و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را در بین شرکت‌ها کاهش می‌دهد. اگر سایر شرکت‌ها در مدیریت سود مشارکت داشته باشند، کاهش قابلیت مقایسه تشدید خواهد شد (راس و همکاران، 2020). بورس اوراق بهادار تهران (TSE) بزرگترین بورس در ایران است. مهمترین مزیت TSE این است که شامل 37 صنعت است و همه شرکت‌های فهرست شده در TSE باید از استانداردهای حسابداری پیروی کنند تا اطلاعات ارائه شده در صورت‌های مالی آنها قابل مقایسه و قابل اعتمادتر باشد. بنابراین، ما از اطلاعات شرکت‌های فهرست‌شده در TSE برای این مطالعه استفاده می‌کنیم و به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که آیا مقایسه‌پذیری حسابداری بر پاداش هیئت مدیره تاثیرگذار است؟ و آیا محافظه‌کاری و مدیریت سود بر این رابطه تاثیرگذار است یا خیر؟

2. مبانی نظری پژوهش

در کشورهای توسعه‌یافته، پاداش‌های مبتنی بر عملکرد مدیریت منجر به افزایش انگیزه می‌شود. به عبارت دیگر، جبران خسارت مدیریت، تعارض بین مدیریت و ذینفعان را کاهش می‌دهد. یک مکانیسم کنترل و نظارت مؤثر، منجر به همسو کردن منافع مدیریت و سهامداران می‌گردد. بسیاری

از شرکت‌ها پاداش را بر اساس عملکرد تعیین می‌کنند. بر این اساس، شرکت‌ها تلاش می‌کنند موقعیت و عملکرد خود را با رقبای خود در صنعت و با سایر شرکت‌های موجود در بازار در سطح اقتصادی مقایسه کنند (نام، 2020).

در نتیجه چنین رویکردی، شرکت‌ها می‌توانند شرکت‌های همتای خود را در موضوع قرارداد خود الگو قرار دهند تا قابلیت مقایسه خود را حفظ کنند. کوهن و همکاران (2008) استدلال می‌کنند که با ارائه اطلاعات مالی با کیفیت بالا و قابل مقایسه، احتمالاً اطلاعات نامتقارن کاهش می‌یابد. در مقابل، محافظه‌کاری انگیزه و توانایی مدیریت را برای دستکاری اطلاعات حسابداری کاهش می‌دهد. بنابراین هزینه‌های نمایندگی را کاهش می‌دهد که نتیجه اطلاعات نامتقارن است. بر این اساس، اطلاعات نامتقارن اساس استدلال‌های مربوط به مقایسه‌پذیری و محافظه‌کاری حسابداری است. عوامل متعددی ممکن است پس از توافق بین یک مدیر و یک نماینده به اطلاعات نامتقارن کمک کنند. اولاً، سهامداران به دلیل هزینه بالای نظارت نمی‌توانند مستقیماً بر رفتار مدیریت نظارت کنند. یکی از دلایل این امر ناتوانی سهامداران در رعایت میزان تلاش مدیریت است. زیرا نظارت هزینه بر است و به جزئیات فعالیت مدیریت دسترسی ندارند. دلیل دوم هزینه بالای جستجوی اطلاعات است و مدیریت به اطلاعات (متمایز) بیشتری نسبت به سهامداران دسترسی دارد. این مورد یک خطر اخلاقی است که به عنوان "اقدام پنهان" شناخته می‌شود. ثالثاً، چندین سناریو پیش‌بینی نشده مدیریت را برانگیخته می‌کند تا از این موقعیت حداکثر استفاده را ببرد. بنابراین، طراحی یک قرارداد جبران خدمات اجرایی، حیاتی به نظر می‌رسد (ژانگ و همکاران، 2019).

در برآوردهای حسابداری، محافظه‌کاری اطلاعات نامتقارن را کاهش می‌دهد و ناحیه دستکاری اطلاعات مهم مانند درآمد و ارزش دارایی را محدود می‌کند. بنابراین، ممکن است استدلال شود که وقتی یک شرکت تحت تأثیر محافظه‌کاری قرار می‌گیرد، عملکرد حسابداری اطلاعات مالی قابل اعتمادتری را نشان می‌دهد، که به نوبه خود به برآوردهای مالی قابل اعتمادتر در ارتباط با عملکرد کمک می‌کند، که خود معیاری برای پاداش و جبران خدمات است. می‌توان این بحث را مطرح کرد که مقایسه‌پذیری کاربران را قادر می‌سازد تا یک شرکت، محیط آن و سیستم حسابداری آن را درک کنند. محافظه‌کاری دقت و صحت اطلاعات منتشر شده و برآوردهای مدیریت را بهبود می‌بخشد. افزون بر این، محافظه‌کاری، مقایسه‌پذیری اطلاعات نامتقارن را بهبود بخشیده و ناهماهنگی را در بازار سهام کاهش می‌دهد. در مجموع، می‌توان نتیجه گرفت که حفظ یک رویکرد حسابداری محافظه‌کارانه و افزایش قابلیت مقایسه هم برای استفاده‌کنندگان و هم برای ذینفعان صورت‌های مالی مفید و موثر خواهد بود (چن و همکاران، 2018). مدیریت یک سازمان در اقتصاد رقابتی امروزی سعی می‌کند عملکرد و موقعیت شرکت خود را با رقابت، روند صنعت، جو اقتصادی و تأثیر آن بر سازمان مقایسه کند تا به ارزیابی جامع‌تر و دقیق‌تری از عملکرد خود برسد. لذا انتظار می‌رود که مقایسه‌پذیری و شیوه‌های حسابداری محافظه‌کارانه، مدیریت را قادر سازد تا بررسی‌های آینده‌نگر دقیق‌تری انجام دهد و عملکرد آینده را با دقت و وضوح بسیار بالاتر پیش‌بینی کند. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت که قابلیت مقایسه حسابداری به طور مستقیم با کیفیت گزارشگری مالی مرتبط است (چن و گونگ، 2019). به طور مشابه، سطح محافظه‌کاری حسابداری در یک شرکت به طور مستقیم با پاداش مدیریت اجرایی آن متناسب است. محافظه‌کاری می‌تواند صداقت، دقت، کیفیت و قابل مقایسه بودن اطلاعات مالی را ارتقا دهد. به طور خلاصه، محافظه‌کاری حسابداری می‌تواند به کاهش ریسک اطلاعات، کنترل هزینه‌های نمایندگی و افزایش ارزش واحد تجاری کمک کند (داریایی و همکاران، 2022). در نتیجه، انتظار می‌رود محافظه‌کاری ارتباط مثبت بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری و پاداش مدیریت را بهبود بخشد.

زمانی که حسابداری یک واحد تجاری با عملیات سایر واحدهای تجاری در همان صنعت قابل مقایسه است، مدیریت سود باید محدود شود. هدف اصلی مدیریت در استفاده از مدیریت سود اقلام تعهدی فرصت‌طلبانه، کاهش ارزش عملکرد واقعی سازمان برای به دست آوردن مزیت شخصی است. به دلیل اطلاعات ارزشمند اضافی ارائه شده توسط صورت‌های مالی شرکت‌های مشابه، آن‌ها می‌توانند عملکرد واقعی واحد تجاری را با دقت

بیشتری ارزیابی کنند. افزایش قابلیت مقایسه حسابداری، اطلاعات حسابداری واحد تجاری را برای فعالان بازار قابل درک‌تر می‌کند. بنابراین، انگیزه بالقوه برای فعالیت‌های مدیریت سود تعهدی کاهش می‌یابد. مشاهده شده است که وقتی محیطی با مقررات سختگیرانه‌تری پر می‌شود، واحدها برای دستیابی به سود هدف خود از مدیریت سود تعهدی به مدیریت سود واقعی تغییر شیوه می‌دهند (کوهن و همکاران، 2008). در اعمال این استدلال برای این مطالعه، می‌توان استدلال کرد که اگر توانایی مدیریت برای استفاده از مدیریت سود تعهدی برای بهبود قابلیت مقایسه حسابداری به شدت محدود شود، آن‌ها به شدت بر مدیریت سود واقعی تکیه خواهند کرد. با استفاده از مدیریت سود واقعی، مدیریت انگیزه بالایی برای حذف مدیریت سود تعهدی خواهد داشت که به دلیل سطح بالاتر مقایسه حسابداری در حال کاهش است. بنابراین منطقی است که انتظار داشته باشیم که افزایش قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری منجر به کاهش مدیریت سود تعهدی و افزایش مدیریت سود واقعی شود. بر این اساس، می‌توان انتظار داشت که با محدود کردن مدیریت سود اقلام تعهدی، پاداش پرداختی به مدیریت کاهش یابد. با این حال، مدیریت برای جبران ناتوانی خود در مدیریت اقلام تعهدی، بر مدیریت سود واقعی تمرکز می‌کند و در نتیجه به احتمال زیاد مدیریت سود افزایش خواهد یافت. پاداش مدیریت نیز احتمالاً در نتیجه آن، افزایش خواهد یافت.

3. پیشینه پژوهش

داریایی و همکاران (2022) در پژوهشی با عنوان مقایسه‌پذیری حسابداری، محافظه‌کاری، پاداش عملکرد مدیران و کیفیت اطلاعات حسابداری، نشان دادند که محافظه‌کاری مشروط و قابلیت مقایسه حسابداری تأثیر مثبت و معناداری بر پاداش مدیران دارند. علاوه بر این، مدیریت سود تعهدی می‌تواند رابطه بین قابلیت مقایسه حسابداری و پاداش مدیران اجرایی را تقویت کند، در حالی که این مورد در رابطه با مدیریت سود واقعی برقرار نیست. با این حال، محافظه‌کاری بی‌قید و شرط تأثیر قابل توجهی بر پاداش مدیران اجرایی ندارد.

بورنو و همکاران (2022) در پژوهشی با عنوان همتایان عمومی، قابلیت مقایسه حسابداری و ارتباط ارزشی گزارشگری مالی شرکت‌های خصوصی، با استفاده از نمونه بزرگی از معاملات با شرکت‌های هدف خصوصی در اتحادیه اروپا در مورد پذیرش اجباری IFRS توسط شرکت‌های دولتی، نشان دادند که اطلاعات مالی گزارش شده شرکت‌های خصوصی زمانی که قابلیت مقایسه حسابداری بالاتری با شرکت‌های دولتی داشته باشد، ارزش بیشتری دارد. علاوه بر این، نشان دادند که تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری زمانی قوی‌تر است که اطلاعات همتایان عمومی دقیق‌تر باشد. یافته‌های آن‌ها با قابلیت مقایسه حسابداری بالاتر سازگار است که سرریز اطلاعات ارزش‌گذاری از بازارهای دولتی به خصوصی را تسهیل می‌کند، که خود منجر به ارتباط ارزش بیشتر اطلاعات مالی گزارش شده شرکت‌های خصوصی می‌شود.

جانوارسی و تیسونگ (2022) در پژوهشی تأثیر قابلیت مقایسه حسابداری را بر استفاده از مدیریت سود تعهدی و مدیریت سود واقعی در بین پنج عضو انجمن کشورهای جنوب شرقی آسیا بررسی نمودند. با تجزیه و تحلیل 1195 شرکت غیرمالی فهرست شده از سال 2014 تا 2017، متوجه شدند که اطلاعات حسابداری قابل مقایسه‌تر بین شرکت‌ها، مدیران را وادار می‌کند تا در مدیریت سود واقعی بیشتر و مدیریت سود تعهدی کمتر شرکت کنند، که این یافته از فرضیه جایگزین حمایت می‌کند. همچنین نتایج پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که گزارش‌دهی و عوامل محیط قانونی ممکن است بر ملاحظات هزینه-فایده در مقابل مشوق‌های استفاده از استراتژی‌های مدیریت سود تأثیر بگذارد.

نام (2020) در پژوهشی با عنوان مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی و ارزیابی عملکرد نسبی مبتنی بر حسابداری در طراحی قراردادهای پاداش نقدی مدیرعامل، بررسی می‌کند که چگونه تفاوت‌های بین شرکتی در شیوه‌های گزارشگری مالی بر نحوه استفاده از اطلاعات حسابداری شرکت همتا

برای ارزیابی عملکرد مدیرعامل تاثیر می‌گذارد. نتایج آن پژوهش نشان می‌دهد که با افزایش مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی، عملکرد مدیران عامل از طریق پاداش نقدی مدیرعامل افزایش خواهد یافت.

لی و همکاران (2020) در پژوهشی با عنوان اثرات محافظه‌کاری حسابداری بر پاداش مدیران، دریافتند که محافظه‌کاری حسابداری به طور مثبت با حساسیت پرداخت پاداش به ازای عملکرد مدیرعامل مرتبط است. یافته‌ها نشان می‌دهد که هیئت مدیره به مدیران اجرایی برای اتخاذ محافظه‌کاری حسابداری، پاداش می‌دهند، و پاداش‌ها از طریق پاداش‌های مرتبط با انگیزه هدایت می‌شوند.

ژانگ و همکاران (2019) در پژوهشی با عنوان مطالعه تجربی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و حساسیت پاداش-عملکرد مدیران اجرایی، ارتباط مثبتی بین پاداش مدیران و اندازه‌گیری عملکرد مبتنی بر حسابداری پیدا می‌کند. مهم‌تر از آن، نشان می‌دهد که محافظه‌کاری پس از کنترل تعدادی از عوامل خاص شرکت و متغیرهای کنترلی، رابطه مثبتی با حساسیت پاداش-عملکرد اجرایی دارد. آن مطالعه نشان می‌دهد که حساسیت پاداش مدیران به عملکرد شرکت برای شرکت‌هایی با محافظه‌کاری حسابداری بالاتر بیشتر است.

چن و گونگ (2019) در پژوهشی با عنوان قابلیت مقایسه حسابداری، کیفیت گزارشگری مالی و قیمت‌گذاری اقلام تعهدی، تأثیر مقایسه‌پذیری حسابداری بر کیفیت گزارشگری مالی و میزان درک استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی از پیامدهای اقلام تعهدی شرکت‌ها را بررسی نمودند. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که قابلیت مقایسه دوره قبل با کیفیت گزارشگری مالی بالاتر مرتبط است. همچنین مقایسه‌پذیری به طور مثبت با دقت و صحت پیش‌بینی مدیریتی مرتبط است، که با قابلیت مقایسه بهبود توانایی مدیران برای پیش‌بینی عملکرد آتی شرکت سازگار است.

ایمنی و دریائی (1401) در پژوهشی با عنوان حساسیت پاداش مدیران: شواهدی بیشتر از نقش محافظه‌کاری در گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران، 104 شرکت بورسی را در بازه زمانی 1390 تا 1398 مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که محافظه‌کاری با سطح پاداش مدیران و همچنین حساسیت پاداش مدیران دارای رابطه منفی و معناداری است. نتایج حاکی از آن است که بین اثر تعاملی بازده سهام و محافظه‌کاری با سطح پاداش مدیران رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین بین اثر تعاملی محافظه‌کاری و تغییر بازده سهام با حساسیت عملکرد پاداش مدیران مبتنی بر ارزش بازار رابطه مثبت و معناداری وجود دارد.

فتاحی و همکاران (1400) در پژوهشی با عنوان اثر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری شرکت‌های همتا بر پاداش هیأت مدیره، 117 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در بازه زمانی 1387 تا 1396 مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه دست یافتند که رابطه مثبت و معناداری بین قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری (با معیار بازده سالانه سهام و جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی) و پاداش هیأت مدیره وجود دارد. بنابراین، می‌توان نتیجه گرفت شرکت‌ها در تنظیم قرارداد پاداش مدیران، عملکرد آن‌ها را از طریق این دو معیار با شرکت‌های همتا، مقایسه می‌کنند و شرکت‌های دارای قابلیت مقایسه بالاتر با همتابان خود، پاداش بیشتری به هیأت مدیره پرداخت می‌کنند.

واعظ و همکاران (1397) در پژوهشی به بررسی تأثیر دستیابی به آستانه سود و تعدیل نامتقارن سود هدف به عنوان ابعاد دقت سود، بر پاداش مدیران پرداختند. برای این منظور از داده‌های 121 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های 1387 تا 1394 و از روش رگرسیون چند متغیره و الگوی داده‌های ترکیبی استفاده نمودند. نتایج نشان می‌دهد که دستیابی به آستانه‌های سود، نقش فعالی را در پاداش-دهی مدیران ایفا می‌کند و سبب کاهش پاداش می‌شود و نیز تعدیل نامتقارن سود هدف تأثیر مثبتی بر پاداش دارد؛ درحالی که در شرکت‌های با عملکرد خوب و عملکرد ضعیف در صنعت، این تأثیرگذاری منفی و معنادار است.

رحمانی و قشقایی (1396) در پژوهشی با عنوان رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی، 72 شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران را در بازه زمانی 1384 تا 1394 مورد بررسی قرار داده و به منظور ارزیابی ویژگی قابلیت مقایسه، از خروجی سیستم حسابداری استفاده نمودند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد بین ویژگی قابلیت مقایسه ارقام حسابداری و مدیریت سود واقعی و تعهدی، رابطه معناداری وجود ندارد.

واعظ و همکاران (1396) در پژوهشی با عنوان بررسی تاثیر دقت و چسبندگی سود بر پاداش هیئت مدیره، با استفاده از رگرسیون چند متغیره به روش تحلیل داده‌های ترکیبی نشان دادند که پاداش نسبت به سود گزارش شده دارای چسبندگی بوده و اقلام تعهدی غیرعادی افزایشی و محافظه کاری شرطی برخلاف نتایج مورد انتظار و تطابق درآمد و هزینه و دقت پیشبینی جریان‌های نقدی مطابق با انتظار پژوهش، تأثیر مثبت معنی‌دار بر پاداش داشته و دستکاری سود از طریق فعالیت‌های واقعی افزایشی تأثیر منفی معنی‌داری بر پاداش دارند.

بنی‌مهد و همکاران (1393) در پژوهشی با عنوان محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت، رابطه بین محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت را طی یک دوره 9 ساله از سال 1382 تا 1390 در 120 شرکت از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، مورد بررسی قرار دادند و نشان دادند که رابطه‌ای منفی میان محافظه کاری حسابداری و پاداش مدیریت وجود دارد. همچنین شواهد آن پژوهش نشان می‌دهد پاداش مدیریت رابطه‌ای مثبت با اندازه شرکت و نسبت سودآوری دارد. اما رابطه نسبت بدهی و تغییر مدیریت با پاداش مدیریت را تایید نمی‌نماید.

4. فرضیه‌های پژوهش

- 1) مقایسه‌پذیری حسابداری بر پاداش هیئت مدیره، تأثیر معناداری دارد.
- 2) محافظه کاری شرطی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیئت مدیره تأثیرگذار است.
- 3) مدیریت سود تعهدی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیئت مدیره تأثیرگذار است.

5. روش‌شناسی پژوهش

روش پژوهش از نظر ماهیت و محتوایی همبستگی می‌باشد. انجام پژوهش در چارچوب استدلال قیاسی استقرایی صورت گرفته است. نوع تحقیق برمبنای هدف از نوع تحقیق‌های بنیادی تجربی است. همچنین تحقیق حاضر از جهت طبقه‌بندی تحقیق‌ها برمبنای ماهیت از نوع تحقیق‌های کاربردی است.

کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشند که طی یک دوره 7 ساله از 1396 تا 1402 مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مشاهدات مورد مطالعه به منظور آزمون فرضیه‌ها با روش غربالگری از بین جامعه مذکور انتخاب شده‌اند. شرایط در نظر گرفته شده برای غربالگری شامل حذف شرکت‌های (1) با تغییر در وضعیت حضور در بورس در طول دوره مورد مطالعه، (2) واسطه‌گری‌های مالی (3) با سال مالی غیرمنتظره به پایان اسفندماه (4) با تغییر سال مالی و (5) با اطلاعات ناقص بوده که از تعداد 544 شرکت بابت 5 شرط فوق، به ترتیب 161، 65، 99، 12 و 89 شرکت حذف و 118 شرکت باقیمانده مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش، مطابق روابط (1)، (2) و (3) می‌باشد:

$$\begin{aligned}
 COMP_{C_{i,t}} = & \beta_0 + \beta_1 COMP_{I_{i,t-1}} + \beta_2 ROA_{i,t-1} + \beta_3 CFO_{i,t-1} + \beta_4 RET_{i,t-1} + \beta_5 INDHERF_{i,t-1} + \\
 & + \beta_7 BM_{i,t-1} + \beta_8 LEV_{i,t-1} + \beta_9 GROWTH_{i,t-1} + \beta_{10} RETVOL_{i,t-1} + \beta_{11} CFVOL_{i,t} \\
 & + \varepsilon_{i,t} \quad (1)
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 COMP_{C_{i,t}} = & \beta_0 + \beta_1 COMP_{I_{i,t-1}} + \beta_2 CONS_{C_{i,t}} + \beta_3 CONS_{C_{i,t-1}} * COMP_{I_{i,t-1}} + \beta_4 ROA_{i,t-1} \\
 & + \beta_6 RET_{i,t-1} + \beta_7 INDHERF_{i,t-1} + \beta_8 SIZE_{i,t-1} + \beta_9 BM_{i,t-1} + \beta_{10} LEV_{i,t-1} + \beta_{11} \\
 & + \beta_{12} RETVOL_{i,t-1} + \beta_{13} CFVOL_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (2)
 \end{aligned}$$

$$\begin{aligned}
 COMP_{C_{i,t}} = & \beta_0 + \beta_1 COMP_{I_{i,t-1}} + \beta_2 EM_ACC_{i,t} + \beta_3 EM_ACC_{i,t-1} * COMP_{I_{i,t-1}} + \beta_4 ROA_{i,t-1} \\
 & + \beta_6 RET_{i,t-1} + \beta_7 INDHERF_{i,t-1} + \beta_8 SIZE_{i,t-1} + \beta_9 BM_{i,t-1} + \beta_{10} LEV_{i,t-1} + \beta_{11} \\
 & + \beta_{12} RETVOL_{i,t-1} + \beta_{13} CFVOL_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (3)
 \end{aligned}$$

در ادامه نحوه اندازه‌گیری متغیرهای مدل‌های بالا، توضیح داده می‌شود.

متغیر وابسته:

پاداش هیأت مدیره ($COMP_{C_{i,t}}$)، از طریق لگاریتم طبیعی مبلغ پاداش هیأت مدیره که در صورت‌های مالی و یا یادداشت‌های توضیحی آن وجود دارد، اندازه‌گیری می‌شود.

متغیر مستقل:

برای اندازه‌گیری متغیر مقایسه‌پذیری حسابداری صورت‌های مالی ($COMP_{I_{i,t-1}}$)، در گام اول رابطه (4) برآورد می‌شود:

$$\begin{aligned}
 E(Earnings)_{iit} &= \hat{\alpha}_i + \hat{\beta}_i Return_{it} \\
 E(Earnings)_{ijt} &= \hat{\alpha}_j + \hat{\beta}_j Return_{it} \quad (4)
 \end{aligned}$$

در رابطه (4)، متغیر $E(Earnings)_{iit}$ سود پیش‌بینی‌شده شرکت i است که از طریق سیستم حسابداری ($\hat{\alpha}_i$) و بازده شرکت i ($Return_{it}$) در دوره t اندازه‌گیری شده است. متغیر $E(Earnings)_{ijt}$ نیز سود پیش‌بینی‌شده شرکت j است که از طریق سیستم حسابداری شرکت j ($\hat{\alpha}_j$) و بازده شرکت i ($Return_{it}$) در دوره t اندازه‌گیری شده است. در گام دوم، میزان مقایسه‌پذیری بین دو شرکت i و j در سال t ، براساس رابطه (5) اندازه‌گیری می‌شود:

$$CompAcct_{ijt} = -|E(Earnings)_{iit} - E(Earnings)_{ijt}| \quad (5)$$

در رابطه (5)، میانگین قدرمطلق تفاوت سودهای پیش‌بینی‌شده ($E(Earnings)$) دو شرکت در منفی یک ضرب می‌شود. بنابراین، مقادیر بزرگتر نشان‌دهنده مقایسه‌پذیری بالاتر سیستم حسابداری دو شرکت i و j ($CompAcct_{ijt}$) است. بعد از برآورد میزان مقایسه‌پذیری برای هر شرکت i و شرکت همتای j در سال t ، میانگین مقایسه‌پذیری شرکت i با کلیه شرکت‌های j محاسبه شده که به‌عنوان اندازه مقایسه‌پذیری شرکت خاص i در سال t در نظر گرفته می‌شود.

متغیرهای تعدیل‌گر:

برای اندازه‌گیری متغیر محافظه‌کاری حسابداری ($CONS_{C_{i,t}}$)، از دو روش به شرح زیر استفاده می‌شود: روش اول (رویکرد باسو (1997) برای محاسبه محافظه‌کاری حسابداری، مطابق رابطه (6) است:

$$\begin{aligned}
 Earn_{it} = & \beta_0 + \beta_1 DR_{it} + \beta_2 R_{it} (\mu_1 + \mu_2 SIZE_{it} + \mu_3 MB_{it} + \mu_4 LEV_{it}) + \beta_3 R_{it} * DR_{it} \quad (6) \\
 & + \gamma_2 SIZE_{it} + \gamma_3 MB_{it} + \gamma_4 LEV_{it} + \varepsilon_{it}
 \end{aligned}$$

به‌طوری‌که در رابطه (6) داریم:

$Earn_{it}$: لگاریتم طبیعی نسبت سود هر سهم به ارزش بازار هر سهم در سال قبل،

R_{it} : بازده سالانه سهام،

DR_{it} : یک متغیر دووجهی با مقدار یک در صورت بازده سالانه منفی در غیر این صورت صفر،

$SIZE_{it}$: اندازه شرکت که برابر است با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام،

MB_{it} : نسبت ارزش بازار سهام عادی به ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام،

LEV_{it} : اهرم مالی که برابر است با مجموع بدهی‌ها تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام.

در این مدل چنانچه β_3 مخالف صفر و مثبت باشد، نشان‌دهنده محافظه‌کاری است که برای هر شرکت بصورت جداگانه و در هر سال محاسبه می‌شود. $(\beta_2 + \beta_3)$ ، واکنش سود نسبت به اخبار بد می‌باشد و چون $\beta_2 + \beta_3 > \beta_2$ است پس β_3 مثبت و در واقع، آن ضریب عدم تقارن زمانی سود است که معیار محافظه‌کاری شرطی است.

روش دوم) مدل گیولی و هین (2000) برای محاسبه محافظه‌کاری حسابداری، مطابق رابطه (7) است:

$$(7) \quad (-1) * (\text{جمع دارایی‌ها در اول دوره} / \text{اقدام تعهدی عملیاتی}) = \text{محافظه‌کاری حسابداری}$$

اقدام تعهدی عملیاتی از تفاوت سود خالص عملیاتی و جریان نقد عملیاتی به علاوه هزینه استهلاک به دست می‌آید.

مدیریت سود تعهدی ($EM_ACC_{i,t}$): بر اساس مدل استفاده‌شده توسط کازنیک (1999)، مطابق رابطه (8) است:

$$(8) \quad \frac{TAC_{it}}{TA_{it-1}} = \alpha_0 \left(\frac{1}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_1 \frac{(\Delta REV_{it} - \Delta REC_{it})}{TA_{it-1}} + \alpha_2 \left(\frac{PPE_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \alpha_3 \left(\frac{\Delta CFO_{it}}{TA_{it-1}} \right) + \varepsilon_{it}$$

به طوری که در رابطه (8) داریم:

TAC_{it} : مجموع اقدام تعهدی که از سود عملیاتی منهای جریان‌های نقدی عملیاتی به دست می‌آید،

TA_{it-1} : جمع دارایی‌های ابتدای سال،

ΔREV_{it} : تغییرات درآمد سال جاری نسبت به سال قبل،

ΔREC_{it} : تغییرات حساب‌ها و اسناد دریافتی سال جاری نسبت به سال قبل،

PPE_{it} : دارایی‌های ثابت مشهود،

ΔCFO_{it} : تغییرات جریان نقد عملیاتی،

ε_{it} : عبارت خطای رگرسیون بیانگر مدیریت سود تعهدی.

متغیرهای کنترلی:

بازده دارایی‌ها ($ROA_{i,t-1}$): نسبت سود خالص به ارزش دفتری دارایی‌ها.

جریان نقد عملیاتی ($CFO_{i,t-1}$): حاصل تقسیم جریان نقد عملیاتی بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها.

بازده سالانه شرکت ($RET_{i,t-1}$): بازده سالانه سهام شرکت i با در نظر گرفتن میزان افزایش در قیمت سهام و سود نقدی تقسیمی.

رقابت تجاری ($INDHERF_{i,t-1}$): برای محاسبه میزان رقابت‌پذیری از شاخص هرفیندال و هیرشمن استفاده می‌شود. توان دوم نسبت درآمد

کسب‌شده توسط شرکت به کل درآمد به دست آمده توسط صنعت، نشان‌دهنده این متغیر است. مطابق رابطه (9)، شاخص هرفیندال و هیرشمن

(HHI) از حاصل جمع توان دوم سهم بازار کلیه بنگاه‌های فعال در صنعت به دست می‌آید.

$$(9) \quad HHI = \sum_{i=1}^k S_i^2$$

به طوری که متغیر X_j فروش شرکت j ، متغیر i نوع صنعت، متغیر K تعداد شرکت‌های فعال در بازار و متغیر S_i سهم بازار شرکت i ام است که

مطابق رابطه (10) محاسبه شده است.

$$S_i = \frac{x_j}{\sum_{i=1}^n x_j} \quad (10)$$

بازاری که شکل HHI آن کمتر از 10٪ باشد، بازار رقابتی محسوب می‌شود، لیکن بازار با شاخص HHI بیش از 18٪ بازار غیر رقابتی به حساب می‌آید. به عبارت دیگر عدد حاصل از شاخص هرفیندال - هیرشمن (HHI)، بیانگر تمرکز بوده و ($1-HHI$) نشان‌دهنده رقابت تجاری است. اندازه شرکت ($SIZE_{i,t-1}$): لگاریتم طبیعی ارزش دفتری دارایی‌ها، ارزش دفتری به ارزش بازار ($BM_{i,t-1}$): ارزش دفتری حقوق صاحبان سهام تقسیم بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام، اهرم مالی ($LEV_{i,t-1}$): نسبت کل بدهی بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها، نرخ رشد فروش ($GROWTH_{i,t-1}$): تغییرات فروش بین سال t و $t-1$ تقسیم بر فروش سال $t-1$ ، نوسانات بازده سهام ($RETVOL_{i,t-1}$): انحراف معیار سه ساله بازده سهام شرکت، نوسانات جریان نقد عملیاتی ($CFVOL_{i,t-1}$): انحراف معیار سه ساله جریان نقد عملیاتی شرکت.

6. یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش، در چند بخش متفاوت شامل آمار توصیفی، بررسی ناهمسانی واریانس، آزمون F لیمر و هاسمن، یافته‌های آزمون مدل اول پژوهش، یافته‌های آزمون مدل دوم پژوهش، و در نهایت یافته‌های آزمون مدل سوم پژوهش، به‌طور جداگانه شرح داده شده‌اند.

6.1. آمار توصیفی

آمار توصیفی شامل پارامترهای مرکزی (بیشینه، کمینه، میانگین) و پراکندگی (انحراف معیار) داده‌های متغیرهای پژوهش، به شرح جدول (1) ارائه می‌گردد.

جدول (1): خلاصه وضعیت آمار توصیفی

متغیرها	علامت اختصاری	میانگین	بیشینه	کمینه	انحراف معیار	تعداد مشاهده
پاداش هیأت مدیره	$COMP_C$	5/4010	9/7692	0/0000	3/2250	826
مقایسه‌پذیری حسابداری	$COMP_I$	0/1602	1/7962	0/0000	0/2504	826
محافظه‌کاری (باسو)	$CONS_C1$	-0/0499	0/4469	-0/9962	0/1268	826
محافظه‌کاری (گیولی)	$CONS_C2$	-0/0547	0/7914	-0/6119	0/1397	826
مدیریت سود تعهدی	EM_ACC	-0/0112	0/3089	-0/8824	0/1199	826
بازده دارایی‌ها	ROA	0/1245	0/6819	-0/4044	0/1591	826
جریان نقد عملیاتی	CFO	0/1004	0/5943	-0/3721	0/1339	826
بازده سالانه شرکت	RET	1/0905	1/7028	-0/9852	2/0765	826
رقابت تجاری	$INDHEF$	0/1010	0/9863	-0/0584	0/1055	826
اندازه شرکت	$SIZE$	14/8714	2/4641	11/4068	1/5064	826
ارزش دفتری به بازار	BM	0/2685	2/8880	-3/7412	0/3328	826
اهرم مالی	LEV	0/5668	1/3634	0/0254	0/2212	826
نرخ رشد فروش	$GROWTH$	0/4038	3/7799	-0/8343	0/6032	826
نوسانات بازده سهام	$RETVOL$	1/0832	7/9466	0/0126	1/3161	826

826	0/0879	-0/0555	0/9826	0/0807	CFVOL	نوسانات جریان نقد
-----	--------	---------	--------	--------	-------	-------------------

متغیر بازده دارایی‌ها دارای میانگین 12٪ بوده که به این معناست که به‌طور متوسط 12٪ از ارزش دفتری دارایی‌ها در شرکت‌های مورد بررسی، به سود خالص تبدیل شده است. متغیر جریان نقد عملیاتی دارای میانگین 10٪ بوده که نشان می‌دهد میزان جریان نقد عملیاتی در شرکت‌های مورد بررسی برابر با 10٪ ارزش دفتری دارایی‌ها در این شرکت‌ها بوده است. متغیر اهرم مالی دارای میانگین 56٪ بوده که به این معناست که 56٪ از ارزش دفتری دارایی‌ها از محل بدهی‌ها تامین شده است. متغیر نرخ رشد فروش نیز دارای میانگین 40٪ بوده که نشان‌دهنده آن است که میزان فروش در شرکت‌های مورد بررسی در هر سال نسبت به سال قبل 40٪ رشد داشته است.

6.2. بررسی ناهمسانی واریانس

با توجه به تأثیر مهم ناهمسانی واریانس در برآورد انحراف معیار و استنباط آماری لازم است تا قبل از پرداختن به هرگونه تخمین وجود یا عدم وجود ناهمسانی واریانس مورد بررسی قرار گیرد. در این پژوهش، به‌منظور آزمون برابری واریانس در داده‌های تابلویی از آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) در جدول (2) استفاده شده است.

جدول (2): آزمون ناهمسانی واریانس

مدل	شرح	مقدار آماره	ارزش احتمال	نتیجه
1	LR	1177/0271	0/0000	ناهمسانی واریانس
2 (رویکرد باسو)	LR	1209/354	0/0000	ناهمسانی واریانس
2 (رویکرد گیولی و هین)	LR	1234/050	0/0000	ناهمسانی واریانس
3	LR	1235/383	0/0000	ناهمسانی واریانس

با توجه به اطلاعات جدول (2)، به‌دلیل ارزش احتمال کمتر از 5٪ آزمون LR، وجود ناهمسانی واریانس مشخص است؛ لذا برای آزمون مدل‌های پژوهش باید از روش حداقل مربعات تعمیم یافته استفاده شود.

6.3. آزمون F لیمر و هاسمن

پیش از تخمین مدل نیاز است تا آزمون F لیمر برای تعیین نوع روش مدل رگرسیونی از حیث پانل بودن (داده‌های تابلویی) یا پولینگ بودن (داده‌های تلفیقی) انجام پذیرد.

جدول (3): آزمون F لیمر

مدل	شرح	آماره	احتمال	نتیجه
1	Cross-section F	15/7060	0/0000	داده‌ها پانل
2 (رویکرد باسو)	Cross-section F	14/9762	0/0000	داده‌ها پانل
2 (رویکرد گیولی و هین)	Cross-section F	15/7213	0/0000	داده‌ها پانل
3	Cross-section F	17/6604	0/0000	داده‌ها پانل

با توجه به اطلاعات جدول (3)، به‌دلیل ارزش احتمال کمتر از 5٪ آزمون F لیمر، داده‌ها از نوع پانل بوده، که باید با آزمون هاسمن، نوع اثرات داده‌های پانل مشخص شود.

جدول (4): آزمون هاسمن

مدل	شرح	آماره	احتمال	نتیجه
-----	-----	-------	--------	-------

اثرات ثابت	0/0000	114/1383	<i>Cross-section random</i>	1
اثرات ثابت	0/0000	138/1865	<i>Cross-section random</i>	2 (رویکرد باسو)
اثرات ثابت	0/0000	123/3542	<i>Cross-section random</i>	3 (رویکرد گیولی و هین)
اثرات ثابت	0/0000	62/9630	<i>Cross-section random</i>	3

با توجه به این که در آزمون به عمل آمده برای مدل‌های پژوهش در جدول (4)، احتمال به دست آمده کمتر از 5٪ می‌باشد، بنابراین در هر سه مدل باید از روش اثرات ثابت استفاده شود.

6.4. یافته‌های آزمون مدل اول پژوهش

متغیر وابسته در مدل اول، پاداش هیأت مدیره است و متغیر مستقل، مقایسه‌پذیری حسابداری می‌باشد. نتایج آزمون این مدل به شرح جدول (5) می‌باشد.

جدول (5): آزمون تحلیل رگرسیون مدل اول پژوهش

احتمال	آماره t	خطای معیار	ضریب	علامت اختصاری	متغیرهای مدل
0/0051	2/8096	0/0522	0/1469	<i>COMP_I</i>	مقایسه‌پذیری حسابداری
0/5854	-0/5457	0/1063	-0/0580	<i>ROA</i>	بازده دارایی‌ها
0/1023	1/6361	0/0626	0/1025	<i>CFO</i>	جریان نقد عملیاتی
0/0143	-2/4561	0/0049	-0/0122	<i>RET</i>	بازده سالانه شرکت
0/0000	-4/4660	0/1371	-0/6126	<i>INDHERF</i>	رقابت تجاری
0/0000	16/7720	0/0135	0/2275	<i>SIZE</i>	اندازه شرکت
0/0000	-7/6954	0/0431	-0/3322	<i>BM</i>	ارزش دفتری به بازار
0/0000	-4/7153	0/0881	-0/4157	<i>LEV</i>	اهرم مالی
0/5548	0/5908	0/0164	0/0097	<i>GROWTH</i>	نرخ رشد فروش
0/0005	3/4912	0/0115	0/0403	<i>RETVOL</i>	نوسانات بازده سهام
0/0092	2/6128	0/1464	0/3826	<i>CFVOL</i>	نوسان جریان نقد عملیاتی
0/0000	11/2436	0/2078	2/3369	-	عرض از مبدا
1/8876	دوربین واتسون		0/8918	ضریب تعیین تعدیل شده	
(0/0000) 72/0039			آماره F (احتمال)		

بر اساس اطلاعات جدول (5)، سطح معنی‌داری آماره F کوچک‌تر از 5٪ است که بیانگر آن است که رگرسیون از اعتبار آماری لازم برخوردار است. همچنین مشاهده می‌شود که برای متغیر مقایسه‌پذیری حسابداری، ارزش احتمال برابر با 0/0051 بوده و برای متغیر مذکور، علامت ضریب برآوردی مثبت است. لذا مقدار ارزش احتمال از 5٪ کمتر بوده و می‌توان گفت که رابطه مثبت و معناداری بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره وجود دارد. در نتیجه فرضیه اول پژوهش تایید می‌گردد. ضریب تعیین تعدیل شده برابر با 89٪ و نشان‌دهنده این است که 89٪ تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل و کنترلی تبیین می‌شود. از طرفی، آماره دوربین واتسون برابر با 1/88 می‌باشد. از آنجا که این آماره در بازه 1/5 تا 2/5 قرار گرفته است، می‌توان بیان نمود که در مدل اول پژوهش، عدم وجود همبستگی بین باقیمانده‌ها پذیرفته می‌شود. یعنی طبق فرآیند عملیاتی برآورد مدل، این خودهمبستگی رفع شده است.

6.5. یافته‌های آزمون مدل دوم پژوهش

متغیر وابسته در مدل دوم، پاداش هیأت مدیره است و متغیر مستقل، مقایسه‌پذیری حسابداری می‌باشد. همچنین محافظه‌کاری حسابداری، متغیر تعدیل‌گر می‌باشد. برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری در این مدل، از دو رویکرد (1- رویکرد باسو 2- رویکرد گیولی و هین) استفاده شده است. نتایج آزمون این مدل با دو رویکرد ذکر شده، به ترتیب در جداول (6) و (7) نشان داده شده است.

جدول (6): آزمون تحلیل رگرسیون مدل دوم پژوهش (روش باسو)

متغیرهای مدل	علامت اختصاری	ضریب	خطای معیار	آماره t	احتمال
مقایسه‌پذیری حسابداری	COMP_I	0/1220	0/0605	2/0142	0/0444
محافظه‌کاری (روش باسو)	CONS_C1	-0/0093	0/0054	-1/7177	0/0863
محافظه‌کاری (باسو) * مقایسه‌پذیری	CONS_C1 × COMP	0/5891	0/1486	3/9640	0/0001
بازده دارایی‌ها	ROA	-0/0579	0/1112	-0/5207	0/6028
جریان نقد عملیاتی	CFO	0/0384	0/0771	0/4978	0/6187
بازده سالانه شرکت	RET	-0/0093	0/0054	-1/7177	0/0863
رقابت تجاری	INDHERF	-0/5891	0/1486	-3/9640	0/0001
اندازه شرکت	SIZE	0/2178	0/0154	14/1424	0/0000
ارزش دفتری به ارزش بازار	BM	-0/3315	0/0469	-7/0655	0/0000
اهرم مالی	LEV	-0/3825	0/0885	-4/3218	0/0000
نرخ رشد فروش	GROWTH	-0/0082	0/0213	-0/3867	0/6990
نوسانات بازده سهام	RETVOL	0/0387	0/0114	3/3821	0/0008
نوسانات جریان نقد عملیاتی	CFVOL	0/3055	0/1678	1/8205	0/0692
عرض از مبدا	-	2/4914	0/2323	10/7247	0/0000
ضریب تعیین تعدیل شده		0/8903	دوربین واتسون	1/8896	
آماره F (احتمال)		57/5203 (0/0000)			

با توجه به جدول (6)، برای متغیر (محافظه‌کاری حسابداری) * مقایسه‌پذیری حسابداری، ارزش احتمال برابر با 0/0001 بوده و برای متغیر مذکور، علامت ضریب برآوردی مثبت است. به این علت که مقدار ارزش احتمال از 5٪ کمتر می‌باشد، می‌توان عنوان نمود که محافظه‌کاری حسابداری (رویکرد باسو)، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تاثیرگذار بوده و این رابطه را تشدید می‌کند.

جدول (7): آزمون تحلیل رگرسیون مدل دوم پژوهش (روش گیولی و هین)

متغیرهای مدل	علامت اختصاری	ضریب	خطای معیار	آماره t	احتمال
مقایسه‌پذیری حسابداری	COMP_I	0/1824	0/0562	3/2444	0/0012
محافظه‌کاری (روش گیولی و هین)	CONS_C2	-0/4559	0/1533	-2/9733	0/0031
محافظه‌کاری (گیولی و هین) * مقایسه‌پذیری	CONS_C2 × COMP	0/2230	0/0149	14/8809	0/0000
بازده دارایی‌ها	ROA	-0/0274	0/1093	-0/2510	0/8019
جریان نقد عملیاتی	CFO	0/0384	0/0771	0/4978	0/6187
بازده سالانه شرکت	RET	-0/0098	0/0051	-1/8864	0/0597
رقابت تجاری	INDHERF	-0/5547	0/1437	-3/8588	0/0001

0/0000	17/5928	0/0132	0/2334	SIZE	اندازه شرکت
0/0000	-7/6044	0/0423	-0/3222	BM	ارزش دفتری به ارزش بازار
0/0000	-5/2850	0/0826	-0/4369	LEV	اهرم مالی
0/4111	0/8225	0/0165	0/0135	GROWTH	نرخ رشد فروش
0/0014	3/2154	0/0117	0/0376	RETVOL	نوسانات بازده سهام
0/0188	2/3555	0/1528	0/3600	CFVOL	نوسان جریان نقد عملیاتی
0/0000	11/2723	0/2007	2/2629	-	عرض از مبدا
1/8860		دوربین واتسون	0/8920	ضریب تعیین تعدیل شده	
0/0000) 73/5427			آماره F (احتمال)		

با توجه به جدول (7) نیز، برای متغیر (محافظه‌کاری حسابداری* مقایسه‌پذیری حسابداری)، ارزش احتمال برابر با 0/0000 بوده و برای متغیر مذکور، علامت ضریب برآوردی مثبت است. به این علت که مقدار ارزش احتمال از 5٪ کمتر می‌باشد، می‌توان نتیجه گرفت که محافظه‌کاری حسابداری (مدل گیولی و هین)، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار بوده و این رابطه را تشدید می‌کند. بنابراین، در هر دو روش محاسبه محافظه‌کاری، فرضیه دوم پژوهش تایید می‌گردد.

6.6. یافته‌های آزمون مدل سوم پژوهش

متغیر وابسته در مدل سوم، پاداش هیأت مدیره است و متغیر مستقل، مقایسه‌پذیری حسابداری می‌باشد. همچنین مدیریت سود تعهدی، متغیر تعدیل‌گر است. نتایج آزمون این مدل در جدول (8) نشان داده شده است.

جدول (8): آزمون تحلیل رگرسیون مدل سوم پژوهش

احتمال	آماره t	خطای معیار	ضریب	علامت اختصاری	متغیرهای مدل
0/0009	3/3363	0/0597	0/1993	COMP_I	مقایسه‌پذیری حسابداری
0/9762	0/0297	0/1100	0/0032	EM_ACC	مدیریت سود تعهدی
0/3113	-1/0133	0/4610	-0/4672	EM_ACC × COMP_I	بریت سود تعهدی* مقایسه‌پذیری
0/5854	-0/5457	0/1063	-0/0580	ROA	بازده دارایی‌ها
0/1023	1/6361	0/0626	0/1025	CFO	جریان نقد عملیاتی
0/0143	-2/4558	0/0057	-0/0140	RET	بازده سالانه شرکت
0/0031	-2/9733	0/1533	-0/4559	INDHERF	رقابت تجاری
0/0000	14/8809	0/0149	0/2230	SIZE	اندازه شرکت
0/0000	-9/6289	0/0500	-0/4817	BM	ارزش دفتری به ارزش بازار
0/0000	-5/0915	0/0785	-0/3999	LEV	اهرم مالی
0/8461	-0/1941	0/0172	-0/0033	GROWTH	نرخ رشد فروش
0/0014	3/2051	0/0132	0/0424	RETVOL	نوسانات بازده سهام
0/0075	2/6834	0/1614	0/4332	CFVOL	نوسان جریان نقد عملیاتی
0/0000	10/984	0/2202	2/4188	-	عرض از مبدا
1/8722		دوربین واتسون	0/8891	ضریب تعیین تعدیل شده	
0/0000) 54/6497			آماره F (احتمال)		

در جدول (8) مشاهده می‌گردد که برای متغیر (مدیریت سود تعهدی * مقایسه‌پذیری حسابداری)، ارزش احتمال برابر با 0/3113 می‌باشد. به این علت که مقدار ارزش احتمال از 5٪ بیشتر می‌باشد، می‌توان عنوان نمود که بین (مدیریت سود تعهدی * مقایسه‌پذیری حسابداری) و پاداش هیأت مدیره رابطه معناداری وجود ندارد. به بیان دیگر، مدیریت سود تعهدی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار نمی‌باشد. در نتیجه فرضیه سوم پژوهش تأیید نمی‌شود.

7. بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش، ارتباط مثبت و معناداری بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره وجود دارد. این یافته، با نتیجه حاصل شده از پژوهش‌های داریایی و همکاران (2022)، نام (2020)، فتاحی و همکاران (1400) هم‌راستا می‌باشد. شرکت‌ها عملکرد مدیران را در تنظیم قرارداد پاداش با شرکت‌های هم‌تا، مورد مقایسه قرار می‌دهند و شرکت‌های دارای مقایسه‌پذیری بالاتر با هم‌تابان خود، پاداش بیشتری به هیأت مدیره پرداخت می‌کنند. ارزیابی نسبی کارآمد با استفاده از عملکرد حسابداری مستلزم داشتن سیستم‌های گزارشگری مالی قابل مقایسه توسط شرکت‌های هم‌تا است که به هیأت مدیره اجازه می‌دهد هزینه‌های پردازش اطلاعات مرتبط با تفاوت‌ها در شیوه‌های گزارش‌دهی مالی شرکت‌ها را کاهش دهند. با حمایت از این دیدگاه، سود شرکت‌های هم‌تا با قابلیت مقایسه گزارش‌گری مالی بالا به عنوان معیار عملکردی برای تعیین پاداش نقدی مدیران عامل عمل می‌کند. لذا با افزایش مقایسه‌پذیری گزارشگری مالی، عملکرد مدیران عامل از طریق پاداش نقدی مدیرعامل افزایش خواهد یافت.

با توجه به نتایج حاصل، محافظه‌کاری شرطی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار بوده و این رابطه را تشدید می‌کند. این یافته، با نتیجه حاصل از تحقیقات داریایی و همکاران (2022)، ژانگ و همکاران (2019)، لی و همکاران (2020)، همسو بوده و با نتیجه حاصل از پژوهش ایمنی و دریائی (1400) ناهمسو می‌باشد. مدیریت از معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه به عنوان مکانیزم علامت‌دهی استفاده می‌کند. استفاده از محافظه‌کاری شرطی، کیفیت و اعتبار اطلاعات گزارش شده را افزایش می‌دهد. در نتیجه، می‌توان استدلال کرد که محافظه‌کاری شرطی، امکان مقایسه اطلاعات مالی را تسهیل نموده و رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره را تشدید می‌کند. از طرفی طبق یافته‌ها، مدیریت سود تعهدی، بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار نیست. این یافته با نتیجه حاصل از پژوهش رحمانی و قشقایی (1396)، همسو بوده و با نتیجه بدست آمده از پژوهش داریایی و همکاران (2022)، جانوارسی و تیسونگ (2022)، واعظ و همکاران (1396)، ناهمسو می‌باشد.

سطح بالای مدیریت سود، رابطه بین ارقام گزارش شده در صورت‌های مالی و رویدادهای اقتصادی را تضعیف نموده و در بین شرکت‌ها قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را کاهش می‌دهد. اگر در مدیریت سود، سایر شرکت‌ها مشارکت داشته باشند، میزان شدت کاهش قابلیت مقایسه افزایش خواهد یافت، اما طبق یافته‌های این پژوهش، مدیریت سود بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار نیست. علت احتمالی این نتیجه را می‌توان این‌طور بیان نمود که با توجه به محیط گزارشگری ایران، سطح بالای مدیریت سود، رابطه بین رویدادهای اقتصادی و ارقام گزارش شده در صورت‌های مالی را تضعیف می‌کند و قابلیت مقایسه صورت‌های مالی را در بین شرکت‌ها کاهش می‌دهد. از طرفی انگیزه مدیران برای دست‌کاری سود ممکن است ناشی از نگرانی در خصوص امنیت شغلی، توافقات قراردادی میان مدیران و ذینفعان خارجی، منافع شخصی در برنامه‌های پاداش یا حتی دستیابی به سود پیش‌بینی شده و برآورد ساختن انتظارات بازار باشد. لذا می‌توان گفت که مدیران به خاطر کسب پاداش بیشتر، سود شرکت را مدیریت می‌کنند. در نتیجه مدیریت سود، از یک طرف منجر به کاهش مقایسه‌پذیری حسابداری شده و از طرف دیگر منجر به افزایش پاداش هیأت مدیره خواهد شد که احتمالاً این دو رابطه خلاف جهت، منجر به عدم تأثیرگذاری مدیریت سود بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره می‌گردد. البته طبق یافته‌های حاصل از این پژوهش، مدیریت سود بر رابطه بین مقایسه‌پذیری حسابداری و پاداش هیأت مدیره تأثیرگذار می‌باشد اما این تأثیرگذاری معنادار نیست.

نتایج بدست آمده در مجموع نقش محاسبات کمی سیستم‌های مالی در جبران خدمات هیئت‌مدیره شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران را نشان می‌دهد. با توجه به نتایج فرضیه‌ها، به مدیران و تصمیم‌گیرندگان در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران پیشنهاد می‌گردد که به منظور بالا بردن میزان پاداش خود، قابلیت مقایسه اطلاعات صورت‌های مالی شرکت را بالا برده و قابلیت اتکای این اطلاعات حسابداری را افزایش دهند. زیرا طبق یافته‌های تحقیق، با افزایش مقایسه‌پذیری اطلاعات حسابداری، پاداش پرداختی به عملکرد هیئت‌مدیره افزایش خواهد یافت. همچنین پیشنهاد می‌گردد که سرمایه‌گذاران در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران به منظور کسب بازدهی بیشتر، در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری نمایند که هیئت‌مدیره آن پاداش بیشتری به واسطه دستیابی به عملکرد مطلوب دریافت نموده و اطلاعات حسابداری قابل مقایسه‌تری را دارا بوده و همچنین مدیران محافظه‌کارتری داشته باشند. زیرا مدیریت از معیارهای حسابداری محافظه‌کارانه به عنوان مکانیزم علامت‌دهی استفاده می‌کند و استفاده از محافظه‌کاری، کیفیت و اعتبار اطلاعات گزارش شده را افزایش می‌دهد.

منابع

الف) منابع فارسی

- 1) ایمنی، محسن و دریائی، عباسعلی. (1401). حساسیت پاداش مدیران: شواهدی بیشتر از نقش محافظه‌کاری در گزارشگری مالی در بازار سرمایه ایران. *دانش حسابداری*، 12 (4)، 67-91.
- 2) بنی‌مهد، بهمن؛ مرادزاده‌فرد، مهدی و ولیخانی، محمدجعفر. (1393). محافظه‌کاری حسابداری و پاداش مدیریت، حسابداری مدیریت، 22(2)، 21-34.
- 3) رحمانی، علی و قشقایی، فاطمه. (1396). رابطه قابلیت مقایسه حسابداری با مدیریت سود واقعی و تعهدی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، 24(4)، 527-550.
- 4) فتاحی، یاسین؛ کردستانی، غلامرضا و دریایی، عباسعلی. (1400). اثر قابلیت مقایسه اطلاعات حسابداری شرکت‌های هم‌تا بر پاداش هیأت مدیره. *پژوهش‌های راهبردی بودجه و مالی*، 2(2)، 11-49.
- 5) واعظ، سید علی؛ بنایی قدیم، رحیم و منتظر حجت، امیرحسین. (1396). بررسی تاثیر دقت و چسبندگی سود بر پاداش هیئت مدیره. *حسابداری مالی*، 9(34)، 150-178.
- 6) واعظ، سید علی؛ منتظر حجت، امیرحسین و بنایی قدیم، رحیم. (1397). بررسی تاثیر ابعاد دقت سود بر پاداش هیئت مدیره در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران. *دانش حسابداری*، 9(2)، 131-161.

ب) منابع انگلیسی

- 1) Albuquerque, Ana. (2009). Peer firms in relative performance evaluation. *Journal of Accounting and Economics*, 48, 69-89.
- 2) Bourveau, T., Chen, J. V., Elfers, F., & Pierk, J. (2023). Public peers, accounting comparability, and value relevance of private firms' financial reporting. *Review of Accounting Studies*, 28(4), 2642-2676.
- 3) Chen, A., & Gong, J. J. (2019). Accounting comparability, financial reporting quality, and the pricing of accruals. *Advances in accounting*, 45, 100415.
- 4) Chen, C. W., Collins, D. W., Kravet, T. D., & Mergenthaler, R. D. (2018). Financial statement comparability and the efficiency of acquisition decisions. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 164-202.

- 5) Cohen, D., Dey, A. & Lys, T., (2008). Real and accrual-based earnings management in the pre-and post-sarbanes-oxley period, *The accounting review*, 83(3), 757-787.
- 6) Daryaei, A., Fattahi, Y., Askarany, D., Askary, S., & Mollazamani, M. (2022). Accounting Comparability, Conservatism, Executive Compensation-Performance, and Information Quality. *Journal of Risk and Financial Management*, 15(11), 48-69.
- 7) De Franco, G., Kothari, S. P., & Verdi, R. S. (2011). The benefits of financial statement comparability. *Journal of Accounting Research*, 49(4): 895–931.
- 8) Januarsi, Y., & Yeh, T. M. (2022). Accounting comparability and earnings management strategies: Evidence from Southeast Asian Countries. *Emerging Markets Finance and Trade*, 58(14), 3913-3927.
- 9) Li, H., Henry, D., & Wu, X. (2020). The effects of accounting conservatism on executive compensation. *International Journal of Managerial Finance*, 16(3), 393-411.
- 10) Nam, J. (2020). Financial reporting comparability and accounting-based relative performance evaluation in the design of CEO cash compensation contracts. *The Accounting Review*, 95(3), 343-370.
- 11) Ross, J., Shi, L., & Xie, H. (2020). The determinants of accounting comparability around the world. *Asian Review of Accounting*, 28(1), 69-88.
- 12) Zhang, X., Gao, S., & Zeng, Y. (2019). An empirical study of the relationship between accounting conservatism and executive compensation-performance sensitivity. *International journal of accounting & information management*, 27(1), 130-150.